

## سخن سردبیر: زنگ انشا

انشا به معنای به وجود آوردن است و زنگ انشا یعنی توجه به خلاقیت، ابتکار و نقش پدیدآوری انسان. در گذشته انشا درس مهمی بود؛ اما چرا از اهمیت افتاد شاید به دو دلیل: عدم علاقه‌مندی معلمان به شنیدن حرف تازه و نو (بر اساس مدیریت‌های سنتی که همه چیز باید بدون چون و چرا انجام شود و صدی از کسی در نیاید) و دلیل دوم، توجه بیش از اندازه به امور فنی و کاربردی و از این رو اهمیت دادن به درس‌هایی همچون ریاضیات، فیزیک، شیمی و به طور خاص حضور فناوری در جامعه و به این نسبت در تحصیلات عالی کشور و حضور فن‌سالاران در سطح مدیریت عالی و عقب افتادن رشته‌هایی که در قالب علوم انسانی معرفی می‌شد. به تعبیر دیگر فن‌سالاری عامل بزرگ و اساسی در عدم توجه به درس انشا بود. اگر چه بعدها، در مدیریت بحث خلاقیت و کارآفرینی مطرح شد، ابعاد آن بیشتر به خلق ابتکار جدید یا مصنوع جدید بود. بحث گفت‌وگو و نقد سازنده و شنیدن صدای مخالف یا مطرح نبود یا کمتر طرف توجه بود. شاید جو حاکم سیاسی در بعضی ادوار نیز به این امر کمک می‌کرد، به این معنا که تا آنجا که ممکن است صدایی از کسی بلند نشود. اگر گاهی معلمی یا متفکری چون جلال آل‌احمد و دیگرانی مانند او ندای مخالفی سر می‌دادند، به عناوین مختلف محکوم می‌شدند و کتاب‌ها و نوشته‌های آنان به صورت مخفیانه دست به دست می‌گشت.

اکنون که رئیس‌جمهور یک کشور خود با صراحت از انشا سخن می‌گوید و از خلاقیت و ابتکار حرف می‌زند و از انتقاد کردن هر دانش‌آموزی از معلمان خود و حتی شخص رئیس‌جمهور استقبال می‌کند، باید آن را به فال نیک گرفت و طلعه‌ای برای بهبود شرایط نه تنها به لحاظ فکری و علمی که سرآغاز شکوفایی و بالندگی دانست.

یادم هست چندین سال قبل فقط سمینار محدودی در نیشابور به نام سمینار انشا برگزار شد که عهده‌دار اصلی آن شاید کتابداران جوان نیشابوری بودند. اگر چه این سمینار محدود بود و به سادگی برگزار شد، امید و نویدی برای توجه بیشتر به این درس مهم بود. اما متأسفانه بنا به دلایلی که اهم آن ذکر شد، نه تنها برای نظام آموزش و پرورش فایده نداشت بلکه همچون فاتحه‌ای بود که بر جنازه نیمه‌جان انشا خوانده شد و سرانجام دیدیم که درس انشا در مدارس به کلی حذف شد. مشابه آن حذف پست کتابدار در آموزش و پرورش بود که در دوره قبل صورت گرفت و هر چه در این رابطه گفته شد، گوش شنوایی نبود.

چنانکه گفته شد انشا در لغت به معنای به وجود آوردن است. خدا اولین انشاگراست. دعای الحمدلله الاول قبل الانشاء و الاحیاء که آغاز دعای روز جمعه است مؤید آن محسوب می‌شود. خدا در زمین برای خود جانشینی به نام انسان قرار داده است و از وی خواسته است تا همچون خودش انشاکننده و احیاگر باشد. پس خلیفه خدا پدیدآور، خلاق و مبتکر است و این صفت ذاتی به هیچ وجه و هیچ قیمت نباید نادیده گرفته شود یا دستخوش استحاله شود. اما چرا با وجود این ویژگی انسانی و اساسی، انسان از انشا کمتر حرف می‌زند و به سمت آن نمی‌رود؟ علاوه بر سختی کار و دلایل ذکر شده به نظر می‌رسد یک دلیل فلسفی هم داشته باشد. وقتی در مسائل علمی و فلسفی سخن از اخبار به میان می‌آید و در تحلیل‌های منطقی صرفاً سروکار ما با گزاره‌های اخباری می‌شود و انشا یا فاقد ارزش یا دارای ارزش اخباری و منطقی می‌شود که نمی‌توان بر روی آن تحلیلی گذاشت، نتیجه جز این نخواهد بود. به عبارت دیگر می‌توان پرسید که آیا اگر انشا نباشد، اخباری وجود خواهد داشت تا مبنای مباحث علمی و منطقی باشد؟ اگر چنین نیست چرا آنچه موجب پدید آمدن همه تحقیقات علمی و گزاره‌های فلسفی می‌شود تا این اندازه باید مورد بی‌مهری قرار گیرد. بی‌مهری به انشا یعنی انشا و آفرینندگی مبحثی است که یا علمی نیست یا با قواعد علمی نمی‌خواند و بنابراین باید آن را کنار گذاشت و از آن سخنی نگفت، زیرا نمی‌توان بر روی آن تحلیلی کرد. جهان، جهان پدیده است و پدیده‌ها که هر آن بر شمار آنها افزوده می‌شود و خلق جدید صورت می‌گیرد، حاصل انشا است، خدا انشا می‌کند اشیا را و پدیده‌ها را و سخن‌ها را و از آن پس زندگی آغاز می‌شود و ما بر روی این پدیده‌ها تحقیق و آنها را تحلیل می‌کنیم. اما این آغازکنندگی و آغازشدگی چرا نباید تحلیل شود و در درجه دوم اهمیت باشد. برای انسان هم همین‌طور است. اوست که می‌آفریند، اوست که آباد یا تخریب می‌کند. هر چه اتفاق می‌افتد در سایه فعالیت و انشاگری اوست. سخنی گفته می‌شود و جهانی را برهم می‌زند یا مطلبی از کسی نقل می‌شود و آرامش به جهان و جامعه ساز می‌گردد. و به قول مولوی

ای برادر تو همه اندیشه‌ای مابقی خود استخوان و ریشه‌ای  
گر بود اندیشه‌ات گل گلشنی و بود خاری تو همیشه گلخنی

متأسفانه این‌ها مورد توجه نیست اما پس از انشاست که خبر آن مهم می‌شود و تحلیل‌ها بر روی آن صورت می‌گیرد. در واقع، بر روی شده‌هاست که بحث‌ها درگیر می‌شود. سخن و سؤال در اینجاست که چرا نباید به مسائل قبل از اخبار اندیشید و چرا زمینه‌های بروز انشا و خلاقیت یا خالقیت نباید محور بحث و بررسی باشد.

سؤال دیگر این است که آیا چنین روشی، حاصل نوع نگاه متفکرانی چون ارسطو و شاگردان و پیروان او نیست که به جهان از منظر ایستایی می‌نگریستند. آیا این نوع برخورد حاصل عدم توجه به فاعل مختار و انگیزه‌های او برای کار و فعالیت در جهان و زندگی نیست؟ به جای آنکه بگوییم فاعل مختار، علیم و قدیر، جهان را بر اساس حکمت به وجود آورده است که در جای‌جای آن دقت، ابتکار و نظم وجود دارد. فقط پدیده‌ها را بنگریم و به جای چگونگی بودن به چگونگی شدن اکتفا کنیم و سپس آنها را بررسی کنیم؟ این مسئله خود جای بحث فراوان دارد و به تازگی بزرگان علم و فلسفه درباره آن داد سخن داده‌اند. بحث‌هایی چون رابطه «است»ها با «باید»ها یا رابطه اخلاق با واقعیت‌های موجود زندگی مورد توجه جدی قرار گرفته است. من در مقاله «رابطه است‌ها و باید‌ها» آن را توضیح داده‌ام. ولی آنچه در اینجا می‌خواهم بگویم این است که یکی از دلایل عدم توجه به درس انشا، بنیادی و ریشه‌ای است که در نظام فکری ما جای گرفته و به صورت سنتی مزمن و لایتغیر در آمده است که کمتر کسی جرأت نزدیک شدن به آن یا خدشه وارد کردن در آن را دارد. حاصلش این می‌شود که انشا را درس بی‌فایده و زائدی می‌دانند. در حالی که انشا یعنی بیان و توصیف درست مسائل و طرح جدید در افکندن، خواست‌ها و آرزوها را با توجه به واقعیت‌ها نزدیک کردن. انشا اصل پیشرفت و ترقی در زندگی است و چنانکه خدا خالق و سازنده است و این سازندگی باید محور بحث و مذاقه باشد و در قبال اخبار (که بیان آنچه اتفاق افتاده، است) نسبت به آنچه انسان قادر مختار از روی علم و یا جهل می‌کند بذل توجه و برای آن اهمیت قائل شد و ضابطه و قانون وضع کرد و آن را مورد توجه قرارداد.

توجه و تأکید رئیس جمهور به زنگ انشا وقتی با توصیه‌های دیگر وی ضمیمه می‌شود معنای ملموس و مشخص دیگر پیدا می‌کند که حاوی ارزش بسیاری است. او در سخنان خود می‌گوید: «رنگ انشا احیا شود، انتقاد صورت گیرد، نقد و انتقاد از معلمان خود شروع شود، از رئیس جمهور انتقاد شود و حاصل آن برای او فرستاده شود. کرسی نظریه‌پردازی جدی گرفته شود». کنار هم قرار دادن این مجموعه تأکیدات، رابطه انشا، به معنای پدید آوردن، خلق کردن، و سازندگی را با خلاقیت و ابتکار توأم کردن، این را تداعی می‌کند که نباید از وضع موجود راضی بود، باید تصمیم به حرکت گرفت و حرکت باید جمعی و فراگیر باشد. رئیس جمهور به خوبی می‌داند همه مفاهیمی که در سطح آموزش عالی متبلور می‌شود اگر ریشه در مدارس نداشته باشد، یا تصنعی خواهد بود یا دیربازده می‌شود. حتی قبل از مدارس، خانواده‌ها باید این مفاهیم را بپذیرند و این اندیشه‌ها را تجربه کنند. اگر می‌خواهند نظریه‌پردازی شکل بگیرد، اگر انسان به عنوان آفریننده می‌خواهد حرفی برای گفتن داشته باشد، اگر او می‌خواهد مدیریت بر خود و مدیریت بر جهان را تجربه و تمرین کند، باید از آغاز به نقش خلاقیت و انسان بودن توجه کند. انشا را چه در قالب نوشتار یا گفتار به صورت سخنرانی، بحث یا مناظره جدی

بگیرد، به خود مطمئن باشد و برای خود محلی از اعراب قائل شود. انسان بودن و کرامت انسانی را مد نظر داشتن، موهبتی الهی است که همگان از آن برخوردارند و هر کس در هر جایی و جایگاهی که هست، توان و قدرت اظهار وجود یا انجام کاری را دارد. هر فرد از جمله دانش‌آموزان باید بتواند منویات خود را انشا کنند. کرسی‌های نظریه‌پردازی حاصل برگزاری درست کلاس‌های انشاست.

انتظار می‌رود که مسئولان امر، این سخن‌های ارزشمند را جدی بگیرند، آن را استحاله و تفسیر نکنند و جان مطلب را که امری اساسی است آویزه چشم و گوش قرار دهند و جامعه‌ای اخلاق، مبتکر، آزاداندیش و نظریه‌پرداز پرورانند و حفظ اخلاق انسانی که مورد تأکید ایشان بود برتری خود را در زندگی اجتماعی در سطح ملی و جهانی نشان دهند. تأکید ایشان بر حفظ حریم اخلاقی و نیز اینکه اگر پدر شما رئیس‌جمهور بود، چه توقعی از وی داشتید، تأکید بر رعایت انصاف و عدالت در نقد و انتقاد بود.

توجه به خلاقیت، انشاسازندگی و کرسی‌های نظریه‌پردازی بی‌تردید با شمارش مقالات بی‌ثمر یا کم‌ثمر که فقط آمار تولید می‌کند، میانه خوبی ندارد. اثرگذاری غیر از پرکاری است. پرکاری اگر هدف‌مند و اثربخش نباشد، حاصل چندانی ندارد و تغییری در سطح علمی ایجاد نمی‌کند. سعه صدر از دیگر نکاتی است که از کلام ایشان می‌توان برداشت کرد و باید مسئولان آن را تجربه کنند. معلمان و مدیران، از انتقاد نهراسند، اگر نمی‌دانند خود را اصلاح کنند، یا به سادگی کنار روند، گزارش‌های غلط تهیه نکنند و مسئولان مافوق در را به روی منتقدان نبندند. اگر چنین باشد، امیدی به پیشرفت خواهد بود و از همه مهم‌تر، مجلات علمی و ترویجی که تشنه دریافت افکار و نظرات نو و نه کلیشه‌ای است، بهره‌مند خواهند شد. سردبیران مجلات علمی بیش از هر کس از این سخنان استقبال می‌کنند و امیدوارند تحولی در نوع نگاه، نگارش، ابداع و انشای نظرهای مؤثر را شاهد باشند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی